

## فرایند بازار کار ایران در پاییز ۱۴۰۲ با تاکید بر جریانات بازار کار

معصومه محمدی\*

بازار کار، نیروی انسانی و عوامل تولید کلمات کلیدی هستند که در تمامی اعصار نقش موثری در ارتقای کیفی و کمی زندگی انسان‌ها داشته‌اند و موجبات ارتقاء جوامع را فراهم کرده‌اند. این عوامل به نوبه خود چالش‌هایی را برای صاحب منصبان ایجاد کرده‌اند که اگر دولتمردان از آن به نحو مطلوب بهره گرفته باشند همانا موجبات توسعه سرزمینشان را فراهم کرده‌اند و در غیراینصورت کشورشان را به سمت اضمحلال و نابودی سوق داده‌اند. در بین این عوامل، نیروی انسانی نقش کلیدی را دارا می‌باشد که در صورت تربیت صحیح و علمی می‌تواند، حوزه اشتغال را بارور کند و در نقطه مقابل منجر به بیکاری و مشکلات اقتصادی و اجتماعی شود.

به سخنی دیگر، اشتغال و بیکاری از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی در هر کشوری محسوب می‌شود که از یک سو نشان دهنده وضعیت رکود یا رونق اقتصادی و از سوی دیگر نشان دهنده میزان تحرک، پویایی و سلامت یا بیماری یک جامعه است و افزایش و کاهش هر کدام از آن‌ها به نوعی می‌تواند موجبات توسعه یافتگی و بالندگی یک کشور را در پی داشته باشد یا به‌عنوان تهدیدی برای مناسبات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک کشور محسوب شود. در این نوشتار می‌خواهیم به بررسی این مقوله در کشور بپردازیم. یکی از مواردی که در این راستا به ما کمک می‌کند، طرح آمارگیری نیروی کار است.

با نگاهی به بررسی‌ها مشاهده می‌گردد که برای رصد بازار کار در ایران به شاخص بیکاری و نرخ مربوط به آن توجه ویژه‌ای می‌شود. چنین موضوعی موجب خواهد شد که تصویری واقعی از بازار کار کشور به دست نیاید و در عین حال، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها مسیر درستی را در پیش نگیرد و در ادامه راه با مشکل مواجه شود. متخصصین و اندیشمندان بازار کار نیک می‌دانند که باید شاخص‌های دیگری از بازار کار هموزن و به مثابه نرخ بیکاری مورد توجه و بررسی قرار گیرد. زیرا که این شاخص به تنهایی نمی‌تواند بیانگر واقعی وضعیت بازار کار باشد. سازمان بین‌المللی کار نیز بر این موضوع صحنه گذاشته و تاکید می‌کند برای بررسی بازار کار باید مجموعه‌ای از شاخص‌ها را در کنار هم دید. بنابراین شایسته است، در ارزیابی وضعیت اقتصادی کشور این مهم را در نظر گرفت. شاخص‌های مهمی که برای ارزیابی بازار کار می‌توان از آن‌ها بهره برد، عبارتند از: "نرخ مشارکت اقتصادی، نسبت اشتغال، وضع شغلی، اشتغال بر حسب بخش‌های فعالیت اقتصادی، نرخ بیکاری، نرخ بیکاری جوانان، سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص زمانی و ...". شایان گفت است، تمامی شاخص‌های نامبرده در کنار هم می‌توانند تصویر بهتری از بازار کار کشور ارائه داده و با کمک آنها ارزیابی مطلوب‌تری از بازار کار بدست آورد. در ادامه به برخی از آنها پرداخته می‌شود. همچنین اطلاع از نحوه جابجایی‌ها و جریانات وضع فعالیت (بین شاغلان، بیکاران و غیرفعالان) نیز به رصد وضعیت بازار کار کمک شایان توجهی خواهد کرد. چنانچه آمد، این مجموعه از اطلاعات از طریق طرح آمارگیری نیروی کار در کشور قابل دسترسی است، طرح مذکور براساس استانداردهای مصوب سازمان بین‌المللی

کار<sup>۱</sup> طراحی و از سال ۱۳۸۴ به صورت فصلی در کشور اجرا و نتایج آن آرایه می‌شود که در گفتار پیش‌روی به آن پرداخته می‌شود. طرح آمارگیری نیروی کار در ماه میانی هر فصل به صورت نمونه‌ای با مراجعه به افراد ۱۰ ساله و بیش‌تر حدود ۶۱ هزار خانوار در مناطق شهری و روستایی ۳۱ استان کشور اجرا و نتایج<sup>۲</sup> آن برای جمعیت ۱۵ ساله و بیش‌تر آرایه می‌شود. در این گزارش به بررسی نتایج طرح آمارگیری نیروی کار پاییز ۱۴۰۲ به صورت تفصیلی تر و از منظر جریان‌ات بازار کاری پرداخته می‌شود.

## شاخص‌های بازار کار

– نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت) جمعیت ۱۵ ساله و بیش‌تر: نرخ فعالیت گویای آنست که چه سهمی از افراد در سن کار از نظر اقتصادی فعال هستند و در بازار کار فعالیت می‌کنند. نتایج پاییز ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که ۴۱,۵ درصد جمعیت در سن کار (۱۵ ساله و بیش‌تر) از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند؛ یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند. هم‌چنین این نتایج نشان می‌دهد که نرخ مشارکت اقتصادی در بین مردان و زنان به ترتیب برابر ۶۸,۶ درصد و ۱۴,۴ درصد می‌باشد. از دو زاویه می‌توان مسئله را بررسی کرد، یکی در بُعد داخلی و از طریق رصد جریان‌ات و سری زمانی بازار کار (در مقایسات فصلی) و دیگر ارزیابی شاخص‌های بازار کار کشور در سطح بین‌الملل می‌باشد. بررسی روند تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی کل کشور نشان می‌دهد که این شاخص، نسبت به فصل مشابه در سال قبل (پاییز ۱۴۰۱)، ۰,۵ درصد افزایش یافته است. شایان گفت است که در طی اجرای طرح از بهار ۱۳۸۴ تا پاییز سال جاری بالاترین نرخ مشارکت اقتصادی با ۴۷,۷ درصد بین تمامی فصول در فصل پاییز ۱۳۸۴ رخ داده اما در مقایسه با فصول مشابه بیش‌ترین نرخ مشارکت مربوط به پاییز ۱۳۸۴ با ۴۶,۰ درصد است و از سوی دیگر، پایین‌ترین نرخ در بین فصول مشابه با ۳۹,۴ درصد مربوط به پاییز ۱۳۹۰ و در بین تمامی فصول از سال ۱۳۸۴ تاکنون پایین‌ترین نرخ با ۳۸,۷ درصد مربوط به زمستان ۱۳۹۲ می‌باشد. اما از منظر دیگری که به این شاخص نگاه شود، در مقایسه با بازار کار کشورهای دیگر و مقایسات بین‌المللی ملاحظه می‌گردد که یکی از معضلات بازار کار کشور ما پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی زنان است که با نرخ متوسط جهانی زنان تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارا می‌باشد. در حالی که نرخ فعالیت اقتصادی مردان با متوسط جهانی آن همخوانی دارد و تفاوت محسوسی ندارد. یعنی یکی از مشکلات بازار کار کشور کم رنگ بودن حضور زنان در این حوزه است که باید برای آن فکری کرد. به عبارت دیگر برای داشتن اقتصادی پویا و بازار کار پر رونق بایستی بر روی رفع معضلات حضور زنان در بازار کار متمرکز شد. البته لازم به ذکر است کم رنگ بودن حضور زنان در بازار کار و شکاف جنسیتی

\*رئیس گروه آمارهای نیروی انسانی. دفتر جمعیت، نیروی کار و اقتصاد خانوار

۱. International Labour Organization (ILO)

۲. شایان گفت است، تا سال ۱۳۹۷ نتایج طرح برای جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر اعلام می‌شد، اما با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، به دلیل تحولات اجتماعی صورت گرفته در زمینه سن ورود به بازار کار در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف حداقل سن ۱۵ سال، برای بررسی شاخص‌های کلیدی بازار کار در نظر گرفته شده، که به دلیل تحولات مشابه در کشورمان، از فصل بهار ۱۳۹۸ شاخص‌های عمده بازار کار کشور براساس جمعیت ۱۵ ساله و بیش‌تر محاسبه و ارائه شده است.

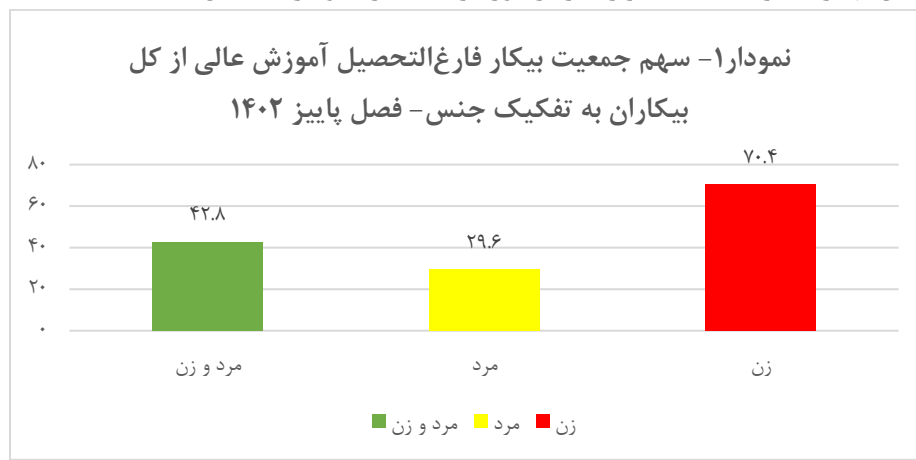
مسئله جهانی و مشکل ریشه‌دار بازار کار است به نحوی که اقتصاددان مشهور کلودیا گلدین استاد دانشگاه هاروارد به این مسئله در طول تاریخ اذعان داشته و به پاس مطالعاتی که در حوزه اشتغال زنان انجام داده است جایزه نوبل سال ۲۰۲۳ را گرفته است که شایسته است این مبحث به طور جداگانه‌ای مورد بررسی قرار گیرد و در این مقال نمی‌گنجد.

– **نسبت اشتغال:** یکی از شاخص‌هایی است که جایگاه مهمی در بررسی روند بازار کار کشورها دارا می‌باشد و پویایی بازار کار را نشان می‌دهد نسبت اشتغال است. این شاخص بیان می‌کند چه سهمی از جمعیت در سن کار شاغل هستند. بررسی نسبت اشتغال جمعیت ۱۵ ساله و بیش‌تر در پاییز ۱۴۰۲، بیانگر آن است که ۳۸,۳ درصد از جمعیت در سن کار (۱۵ ساله و بیش‌تر) شاغل بوده‌اند یعنی از هر ۱۰۰ نفر جمعیت ۱۵ ساله و بیش‌تر ۳۸ نفر شاغل بوده‌اند. این شاخص در بین مردان بیش‌تر از زنان و در نقاط روستایی بیش‌تر از نقاط شهری بوده است. ارزیابی این شاخص گویای آن است که در پاییز ۱۴۰۲ نسبت به پاییز ۱۴۰۱، بازار اشتغال از رونق بیش‌تری برخوردار شده است و شاخص مذکور در دوره مورد بررسی به میزان ۰,۶ درصد افزایش یافته است. اما در مناطق روستایی شاخص مذکور ۰,۲ درصد کاهش یافته و از ۴۰,۵ درصد در پاییز ۱۴۰۱ به ۴۰,۳ درصد در پاییز امسال رسیده است.

– **شاخص نرخ بیکاری نشان می‌دهد چه سهمی از جمعیت فعال (شاغل و بیکار) بیکار بوده‌اند.** بررسی نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیش‌تر در پاییز ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که ۷,۶ درصد از جمعیت فعال، بیکار بوده‌اند. بر اساس این نتایج، نرخ بیکاری در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بیش‌تر بوده است. براساس نتایج فصلی طرح آمارگیری نیروی کار، نرخ بیکاری در پاییز ۱۴۰۲ نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۰,۶ درصد کاهش یافته و از ۸,۲ درصد به ۷,۶ درصد رسیده است. در نگاه اولیه نظر می‌رسد، کاهش نرخ بیکاری علامت خوبی از بهبود شرایط بازار کار است؛ ولی بررسی دیگر آمارها و مشاهده سایر شاخص‌ها این خوش‌بینی را تایید نمی‌کند، زیرا که باید بررسی کرد چه جریاناتی موجب کاهش نرخ بیکاری شده‌اند و چه اتفاقاتی در جمعیت‌های بازار کار رخ داده و چنانچه آمد، بررسی یک شاخص به تنهایی نماینده خوبی برای رصد بازار کار نمی‌باشد بلکه باید مجموعه‌ای از شاخص‌ها را در کنار هم دید تا بتوان سیمای درستی از بازار کار را به تصویر کشید. با این وجود، در خصوص نرخ بیکاری لازم به گفت است که یکی از مشکلات بازار کار ایران عدم جذب جوانان (در بازار کار) می‌باشد که در نتایج طرح آمارگیری نیروی کار نیز خود را نشان داده و تایید می‌شود. براساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در پاییز ۱۴۰۱، نرخ بیکاری جوانان ۲۴-۱۵ ساله برابر با ۲۰,۶ درصد است یعنی از هر ۱۰۰ نفر جمعیت جوان ۲۴-۱۵ ساله کشور حدود ۲۱ نفر بیکار هستند و نتوانستند شغلی برای خود بیابند، جالب توجه است که این شاخص نسبت به فصل مشابه سال قبل (پاییز ۱۴۰۱) به میزان ۱,۴ درصد افزایش یافته است. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه در ادبیات بین‌المللی بازار کار هر گاه نرخ بیکاری جوانان ۲۴-۱۵ ساله بیش از دو

برابر نرخ بیکاری کل جمعیت باشد آن کشور با معضلی به نام بحران بیکاری مواجه است و لذا بر مسئولین و اندیشمندان است که نه تنها باید بر آن تامل کرده بلکه باید راهکارهایی برای رفع این چالش ارایه نمایند.

شایان ذکر است، معضل جدیدی که بازار کار ایران با آن مواجه شده افزایش سهم بیکاران فارغ‌التحصیل آموزش عالی است. در واقع یک نوع عدم هماهنگی بین نیروی کار و ساختار بازار کار کشور مشاهده می‌شود که ناشی از برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های دهه‌های گذشته در حوزه بازار کار و آموزش عالی و افزایش دانشگاه‌ها است. دغدغه‌ای که در آن سال‌ها موجب شد فشار ورودی به بازار کار کم شده اما به مرور زمان و با توجه به پایان تحصیلات دانشگاهی این گروه، فشار مضاعف شده و علیرغم افزایش افراد دارای تحصیلات دانشگاهی بازار کار در جذب این افراد ناتوان مانده در واقع در دوره‌ای با هدایت افراد به ویژه جوانان به سمت تحصیلات دانشگاهی بعنوان مسکنی کوتاه مدت به نظر مسئله بازار کار را کم یا حل کرده اما غافل از اینکه نه تنها مشکل حل نشده بلکه بعد از طی دوران دانشگاهی ایشان، با علم به اینکه در حوزه بازار کار مشاغل مناسب جهت جذبشان نداریم مشکلات دو و یا حتی چندین برابر شده زیرا که ایشان با توجه به تحصیلاتشان انتظار دارند تا شغلی متناسب با تخصصشان داشته باشند که حوزه اشتغال کشور قادر به پاسخگویی در این حوزه نیست و این عدم هماهنگی موجب ناتوانی بازار کار کشور در جذب نیروی کار ماهر و فارغ‌التحصیلان آموزش عالی شده و از سوی دیگر با توجه به ساختار اقتصادی و بازار کار کشور تقاضای زیادی برای نیروی کار ساده و کم مهارت مواجه هستیم به طوری که کارگران ساده در یافتن شغل مشکل چندانی ندارند و حتی در برخی از مناطق با کمبود کارگر ساده مواجه هستیم. این مسئله موجب شده که نرخ بیکاری در میان تحصیلکرده‌ها به طرز قابل توجهی افزایش یابد. با نگاهی به نتایج طرح آمارگیری نیروی کار این موارد تایید می‌شود. در پاییز ۱۴۰۲ علیرغم کاهش نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیش‌تر ۴۲,۸ درصد از بیکاران کشور دارای تحصیلات عالی (سهم بیکاران فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران) هستند، این شاخص نسبت به فصل مشابه سال قبل ۰,۴ درصد افزایش یافته است. این مسئله وقتی به تفکیک جنس بررسی شود حادثر می‌شود و شکاف جنسیتی قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌شود به نحوی که ۲۹,۶ درصد از مردان بیکار تحصیلکرده هستند در حالی که این شاخص برای زنان برابر ۷۰,۴ درصد است بعبارت دیگر مردان تحصیلکرده از اقبال بهتری در جذب به بازار کار برخوردارند که در نمودار ۱ نشان داده شده است.



## آمارهای جریان

پس از آگاهی از نتایج طرح آمارگیری نیروی کار و دستیابی به شاخص‌های کلان و مهم اقتصادی که با آن تا حدی می‌توان بازار کار کشور را رصد کرد، دولتمردان و اندیشمندان حوزه اقتصاد به اطلاعات بیشتری برای تحلیل و ارزیابی عملکردها نیازمند هستند. به این منظور، یکی از مواردی که می‌تواند به فهم و درک اطلاعات بازار کار کمک شایان توجهی کند همانا بررسی تبیینی، مو شکافانه و دقیق‌تر اطلاعات از طریق آمارهای جریان است. بعبارت دیگر، مقایسه شاخص‌های بازار کار در زمان‌های مختلف، تغییرات بازار کار را در طی زمان نشان می‌دهد، اما به منظور آگاهی از جابجایی‌های داخل مقاطع و درک چگونگی فرایند اتفاقات درون بازار کار، بکارگیری آمارهای جریان می‌تواند در این راه کمک موثر و شایان توجهی باشد. این امر با توجه به استفاده از الگوی چرخشی در نمونه‌گیری طرح آمارگیری نیروی کار امکانپذیر است.

"هرچند امروزه شاخص‌های عمده نیروی کار در مقاطع زمانی، توسط بیش‌تر کشورها محاسبه و اعلام می‌شوند، اما واضح است که به تنهایی، قادر به بررسی حرکت‌های وضعیت‌های مختلف نیروی کار نیستند. برای نخستین بار، در سال ۱۹۴۸، آمریکا در آمارگیری جاری جمعیت خود به منظور مشاهده تغییرات بازار کار طی زمان، آمارهای جریان را ارائه کرد. از آن سال تاکنون به دلیل اهمیت آمارهای جریان در مباحث مربوط به برنامه‌ریزی، این آمارها در بسیاری از کشورها محاسبه و ارائه شده است. آمارهای جریان، تمام آمارهای ورودی و خروجی نیروی کار و تغییر وضعیت نیروی کار را بین دو دوره ارائه می‌دهد. همچنین دسترسی به این آمارها، امکان تحلیل‌های گسترده‌تر بازار کار را فراهم می‌آورد. این آمارها، در کشورهایی که آمارگیری نیروی کار، براساس نمونه‌گیری چرخشی انجام می‌شود، به علت وجود افراد مشترک در دوره‌های مختلف آمارگیری، قابل محاسبه است. آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران با استفاده از نمونه‌های چرخشی از سال ۱۳۸۴ به صورت فصلی انجام و نتایج آن به صورت شاخص‌های عمده نیروی کار و جدول‌های تفصیلی در نشریات فصلی و سالانه مرکز آمار ایران ارائه می‌شود" (فلاح، مهران و جوادی (۱۳۹۲)).

"آمارهای جریان نشان می‌دهد در طی یک دوره، حرکت و جابجایی‌های بازار کار چگونه بوده است. این امر از طریق ماتریس انتقال ممکن است. ماتریس انتقال، اطلاعات غنی برای تحلیل جریان‌های نیروی کار فراهم می‌کند زیرا جریان‌های خروجی و ورودی غیرفعال، شاغل و بیکار را تولید می‌نماید" (فلاح، جوادی (۱۳۹۳)).

"به‌منظور اندازه‌گیری تغییرات شاخص‌های عمده نیروی کار، آمارهای جریان ارائه شدند. داده‌های جریان، همه‌ی تغییراتی که ممکن است داده‌های مقطع نشان ندهند را پوشش می‌دهد. برای تدوین و نظارت بر سیاست‌های بازار کار، آمارهای مقطع نیروی کار به آمارهای جریان نیروی کار به‌عنوان مکمل نیاز دارد" (باکر و همکاران (۱۹۹۶)).

ملاحظه می‌گردد که برای ارزیابی تصویر بهتری از بازار کار کشور بر روی آمارهای جریان و ماتریس انتقال بسیار مفید و ارزشمند است. در جدول ۱ ماتریس انتقال جریانات بازار کار در پاییز ۱۴۰۲ نسبت به پاییز ۱۴۰۱ در جمعیت ۱۵ ساله و بیش‌تر نشان داده می‌شود. این ماتریس گویای آنست که چه بخشی از جمعیت به لحاظ بازار کاری شرایطشان ثابت مانده و چه بخشی تغییر کرده است:

– همانگونه که ملاحظه می‌شود ۸۸,۲ درصد از جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بیش‌تر پاییز ۱۴۰۱ در پاییز ۱۴۰۲ نیز همچنان شاغل، ۲,۷ درصد بیکار و ۹,۱ درصد غیرفعال شده‌اند.

– این بر روی نشان می‌دهد، در پاییز ۱۴۰۲ نسبت به پاییز ۱۴۰۱، به میزان ۳۶,۷ درصد از جمعیت بیکار ۱۵ ساله و بیش‌تر همچنان بیکار مانده‌اند، ۴۲,۵ درصد شاغل و ۲۰,۸ درصد از بازار کار خارج و غیرفعال شده‌اند.

– شایان‌گفت است از کل جمعیت غیرفعال ۱۵ ساله و بیش‌تر پاییز ۱۴۰۱ در پاییز ۱۴۰۲ به میزان ۸,۱ درصد وارد بازار کار شده‌اند که از این میزان ۶,۶ درصد شاغل و ۱,۵ درصد بیکار شده‌اند و ۹۱,۹ درصد از جمعیت غیرفعال هم در طی این فصول تغییری در وضع فعالیتشان رخ نداده است و همچنان غیرفعال مانده‌اند.

### جدول ۱\_ ماتریس انتقال جریانات نیروی کار

(از پاییز ۱۴۰۱ به پاییز ۱۴۰۲)

فصل پاییز ۱۴۰۲				شرح(داده‌های نیروی کار در فصل جاری و فصل مشابه سال قبل)	
کل	غیرفعال	بیکار	شاغل		
۱۰۰,۰	۹,۱	۲,۷	۸۸,۲	شاغل	فصل پاییز ۱۴۰۱
۱۰۰,۰	۲۰,۸	۳۶,۷	۴۲,۵	بیکار	
۱۰۰,۰	۹۱,۹	۱,۵	۶,۶	غیرفعال	

## جابه جایی نیروی کار

ماتریس انتقال به ما کمک می کند که بتوانیم نیروی کار را به لحاظ جابجایی نیز به دو گروه تقسیم نماییم. افرادی که در دو فصل تغییر وضعیت داده اند و افرادی که در دو فصل وضع فعالیت یکسانی داشته اند (در هر دو فصل شاغل، بیکار یا غیرفعال بوده اند). افرادی که در دو فصل تغییر وضعیت داده اند، جابه جایی نیروی کار و نقطه مقابل آن پایداری نیروی کار را نشان می دهند که این مهم نیز با استفاده از داده های آمارهای جریان، قابل احصاء و ارایه می باشد. با مشاهده نمودار ۲ ملاحظه می شود که در طی دوره مورد بررسی میزان جابجایی نیروی کار ۱۲,۵ درصد بوده و در فصول مورد بررسی وضع فعالیت ۸۷,۵ درصد از جمعیت نیروی کار پایدار مانده و تغییر نکرده است.

